

متن پرسش

به نام خدا. با سلام خدمت استاد گرامی: داستانی را که در ادامه می‌آید افراد مختلفی از دیدار امام (ره) با آقای نخودکی در مشهد بیان می‌کنند و نوع مطالبه و درخواست حضرت امام را مبنی بر طلب علم کیمیا از ایشان، و چنین طلبی را با توجه به تعالی مقامشان را نمی‌توانم باهم جمع کنم. حتی انسان چنین تمنایی را برای بعضی از مومنین بعید می‌داند چه رسد به آن عارف واصل که همیشه تعمد بر اختفای حالات خویش داشت. ::::: پایگاه صالحات - سالک الی الله آیت الله حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی در حرم امام رضا (ع) خطاب به امام خمینی: چه اصراری دارید چیزی را که ممکن است موجب خسران شود، یاد بگیرید؟ اما من چیزی را به شما یاد می‌دهم که برایتان خسارتی ندارد و محتاج دیگران هم نمی‌شوید. روایت اول: (به نقل از فرزند آیت الله موسی شبیری زنجانی) خبرنگار البرز می‌گوید: مطلبی را درباره منزلت و جایگاه آیه سوم سوره طلاق «و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بلغ امره قد جعل الله لک شی قدر» با یکی از روحانیون سرشناس تهران بحث می‌کردیم و چون در تاکید بر قرائت این آیه به همراه بخشی از آیه دوم همین سوره تردید وجود داشت از ایشان خواستیم در سفر امسال حج از علمای حاضر در این خصوص سوال نمایند. ایشان پس از بازگشت از سفر در همین خصوص می‌گوید: با فرزند آیت الله موسی شبیری زنجانی این مطلب را در میان گذاشتیم و مطلبی که در خصوص دیدار ایشان و شیخ حسنعلی نخودکی مطرح بود را مورد سوال قرار دادیم. ایشان در تماس تلفنی با این مرجع تقلید اصل ماجرا را جویا شده و به شرح ذیل بیان می‌کنند. مطلب مذکور در نشریه زائر منتشر و در اختیار حجاج بیت الله الحرام قرار می‌گیرد و از آنجا که دارای اهمیت خاصی از جهات نمایش اوج عرفان این شیخ فاضل، صداقت امام خمینی (ره) در کلام و... می‌باشد بر آن دیدیم تا با انتشار آن در ترویج آن قدمی برداشته باشیم. شرح ماجرا به نقل از فرزند آیت الله شبیری زنجانی از زبان پدر بزرگوارشان این‌گونه نقل می‌شود که: در سفری که امام خمینی (ره) و پدرم برای زیارت به مشهد مقدس رفته بودند امام در صحن حرم امام رضا (ع) با سالک الی الله حاج حسنعلی نخودکی مواجه می‌شوند. امام امت (ره) که در آن زمان شاید در حدود سی الی چهل سال بیشتر نداشت وقت را غنیمت می‌شمارد و به ایشان می‌گوید با شما سخنی دارم. حاج حسنعلی نخودکی می‌گوید: من در حال انجام اعمال هستم، شما در بقعه حر عاملی (ره) بمانید من خودم پیش شما می‌آیم. بعد از مدتی حاج حسنعلی می‌آید و می‌گوید چه کار دارید؟ امام (ره) خطاب به ایشان رو به گنبد و بارگاه امام رضا (علیه السلام) کرد و گفت: تو را به این امام رضا، اگر (علم) کیمیاداری به ما هم بده؟ حاج حسنعلی نخودکی انکار به داشتن علم (کیمیا)

نکرد بلکه به امام (ره) فرمودند: اگر ما «کیمیا» به شما بدهیم و شما تمام کوه و در و دشت را طلا کردید آیا قول می‌دهید که به جا استفاده کنید و آن را حفظ کنید و در هر جایی به کار نبرید؟ امام خمینی (ره) که از همان ایام جوانی صداقت از وجودشان می‌بارید، سر به زیر انداختند و با تفکری به ایشان گفتند: نه نمی‌توانم چنین قولی به شما بدهم. حاج حسنعلی نخودکی که این را از امام (ره) شنید روبه ایشان کرد و فرمود: حالا که نمی‌توانید «کیمیا» را حفظ کنید من بهتر از کیمیا را به شما یاد می‌دهم و آن این که: بعد از نمازهای واجب یک بار آیه الکرسی را تا «هو العلی العظیم» می‌خوانی. و بعد تسبیحات فاطمه زهرا سلام الله علیها را می‌گویی. و بعد سه بار سوره توحید «قل هو الله احد» را می‌خوانی. و بعد سه بار صلوات می‌گویی: اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد سه بار آیه مبارکه: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ (سوره طلاق آیه ۲ و ۳) (هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد، و هرکس بر خداوند توکل کند کفایت امرش را می‌کند، خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند، و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.) را می‌خوانی که این از کیمیا برایت بهتر است. روایت دوم: آیت‌الله سید جعفر شبیری زنجانی: امام و مرحوم ابوی بالا سر حضرت امام رضا علیه‌السلام، آشیخ حسنعلی را می‌بینند. می‌آیند که با ایشان صحبت کنند، ایشان زیارت می‌خواندند و اشاره می‌کنند بروید جلوی مدرسه حاج ملا جعفر، زیارت را که خواندم، به آنجا می‌آیم. به آنجا می‌آیند و ظاهراً امام به ایشان می‌گویند: «شما را به این حضرت رضا علیه‌السلام قسم می‌دهیم که علم کیمیا را به ما یاد بدهید». ایشان می‌گویند: «اگر همه کوه‌های عالم را طلا کنید، آیا اطمینان دارید که از آنها سوء استفاده‌ای نشود؟» امام می‌گویند: «نه، اطمینان نداریم.» می‌گویند: «پس چه اصراری دارید چیزی را که ممکن است موجب خسران شود، یاد بگیرید؟ اما من چیزی را به شما یاد می‌دهم که برایتان خسارتی ندارد و محتاج دیگران هم نمی‌شوید». این را نشنیده بودم، بعداً از اخوی بزرگ حاج آقا موسی شنیدم و کاملش را برایم بیان کردند. ایشان می‌گویند آشیخ می‌گفتند اول آیه الکرسی می‌خوانید، بعد تسبیحات حضرت زهرا «سلام الله علیها»، بعد سه تا قل هو الله و سه صلوات و سه مرتبه « وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا » (سوره طلاق، آیات ۲ و ۳). پدرم می‌فرمودند بعد از آن دیگر هیچ وقت محتاج نشدم. روایت سوم: (به نقل از آیت‌الله بهجت ره) آیت‌الله محمدی ری شهری: در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۹ (۲۵ شوال ۱۴۲۵) خدمت مرحوم آیت‌الله بهجت رسیدم. حال ایشان بهتر از ملاقات قبلی بود. فرزند ایشان گفت که ماه رمضان را روزه گرفته‌اند. در مورد دیدار امام خمینی با شیخ حسنعلی نخودکی در جوانی و دستور العمل ایشان به امام □ که بعد از هر نماز، سه بار سوره توحید و سه بار صلوات و سه بار آیه «و من يتق الله...» را قرائت کند □ پرسیدم. پاسخ دادند: «ایشان با سید احمد زنجانی، پیش آقای شیخ حسنعلی نخودکی می‌روند و از او علم کیمیا می‌خواهند. ایشان جواب می‌دهد که: آیا متعهد می‌شوید که آن را

در غیر آنچه مرضی خداوند متعال است، مصرف نکنید؟ هیچ یک، متعهد نمی‌شوند. بعد می‌گوید:

چیزی می‌دهم که بهتر از کیمیا باشد. و آن دستور العمل را می‌دهد». آیت الله بهجت، ترتیب اذکار را دقیق به یاد نداشتند؛ ولی فرمودند: «در بحار هست؛ اما مرحوم نخودکی، بخشی از آن را اخذ کرده است». آیت الله بهجت اضافه کردند: «شاید اگر آقای خمینی به آقای نخودکی می‌گفتند که کیمیا را با استخاره مصرف کنیم، به آنان می‌داد». شیخ حسنعلی به امام فرموده بود که این دستورالعمل برای انجام شدن هر خواسته‌ای، مناسب است. روایت چهارم: (به نقل از آیت الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی (ره) این جانب (آیت الله محمدی ری شهری) قبلاً از برادر بزرگوارم حجت الاسلام و المسلمین آقای علی اکبر الهی خراسانی شنیده بودم که با یک واسطه از آیه الله حاج آقا مصطفی خمینی نقل کردند که: امام خمینی در جوانی همراه با یکی از رفقاییش در مشهد با شیخ حسنعلی نخودکی، ملاقاتی داشته و از ایشان تقاضایی نموده است. آقای نخودکی هم به ایشان گفته: پس از هر نماز واجب، سه مرتبه سوره توحید را بخوان و سه بار صلوات بفرست و سه بار آیه «و من یتق الله يجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بلغ امره قد جعل الله لکل شیء قدراً» را قرائت کن. امام فرموده بوده که: رفیق ما به صورت منقطع به این توصیه عمل کرد؛ ولی من از آن موقع تاکنون، آنرا ادامه داده‌ام و هر چه دارم، از آن دارم. البته در نقل از حاج آقا مصطفی، رفیق همراه امام، سید محمد صادق لواسانی گزارش شده؛ اما نقل صحیح، همان است که آیت الله بهجت فرموده‌اند. روایت پنجم: (به نقل از آیت الله حاج آقا موسی شبیری زنجانی) آیت الله محمدی ری شهری: همچنین در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۸، تلفنی از حضرت آیت الله حاج آقا موسی شبیری زنجانی جریان درخواست امام و مرحوم شیخ حسنعلی در حرم حضرت رضا «علیه السلام» را پرسیدم. ایشان فرمود: «خودم این جریان را از پدرم (آیت الله سید احمد زنجانی) شنیده‌ام؛ ولی طلبه‌ای به نام سید صادق ... نقل کرد که: خوابی دیدم و به نماز پدرتان رفتم. دیدم که بر سر قبر قطب راوندی، برای ایشان فاتحه می‌خواند. به ایشان گفتم: شنیده‌ام کیمیا دارید؟ فرمود: بیا برویم صبحانه منزل! با هم رفتیم. بعد برایم تعریف کردند که یک سال با آقای خمینی، در مشهد بودیم. حرم، مشرف شدیم. شیخ حسنعلی هم مشغول بود و از روی مفاتیح _ که گویا تازه چاپ شده بود _ زیارت می‌خوند. ایشان (آیت الله خمینی) به او گفت: تو را به این حضرت، حاجتی دارم. شیخ گفت: سید بگذار زیارت کنم. بعد. قرار شد سر قبر شیخ حر عاملی با هم صحبت کنیم. شیخ وقتی زیارتش تمام شد، آمد». خواسته آیت الله خمینی گویا کیمیا بوده است. شیخ پرسید: اگر علم کیمیا داشتید و قدرت این را داشتید که کوه‌های دنیا را طلا کنید، مطمئن هستید که از این علم، سوء استفاده نمی‌شود؟ ایشان جواب دادند: نه. ایشان فرمود: اگر مطمئن نیستید، من چیزی را می‌گویم که {دیگر} مشکل مالی نداشته باشید و خطر هم نداشته باشد: بعد از هر نماز، سه بار «قل هو الله احد» را بخوانید. بعد، سه بار صلوات و سه بار آیه «و من یتق الله» تا «قد جعل الله لکل شیء قدراً» را تلاوت کنید. حاج آقا موسی اضافه کردند که: پس از این جریان، یک وقت پدرم این جریان را برای کسی نقل می‌کرد که من، آخرهای آن را از

ایشان شنیدم. روایت ششم: (به نقل از آقای مقدادی (ره) فرزند مرحوم نخودکی) آیت الله محمدی ری شهری: یک نکته هم اضافه می‌کنم که از پسر شیخ نخودکی، آقای مقدادی (حاج شیخ علی مقدادی اصفهانی- متوفای ۱۳۸۸/۱۲/۲۷) با واسطه شنیدم که قبل از سوره توحید، آیه الکرسی را اضافه کنند و گفتند که این مطالب در روایتی آمده است. اگر چه برخی، این اضافه را از فرزند مرحوم نخودکی نقل کرده‌اند، ولی آقا (آیت الله بهجت)، فرمود: «به گمانم او در شرحی که برای پدرش نوشته، این اضافات را نیآورده است» و مقصودشان کتاب نشان از بی نشان‌ها بود. تایپ مطالب نقل شده از کتاب زمزم عرفان توسط عباس - پایگاه صالحات منابع : روایت اول: سایت خبری تحلیلی البرز روایت دوم: سایت رجانیوز به نقل از مجله پاسدار اسلام - مصاحبه حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن رحیمیان با آیت‌الله سید جعفر شبیری زنجانی روایت سوم، چهارم، پنجم و ششم: کتاب زمزم عرفان، نوشته آیت الله محمدی ری شهری . :::::

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور که متوجه شده‌اید امام در آن سن که حدود سی‌سال داشتند در اوج شعور عرفانی قرار داشتند و کتاب شرح دعای سحر را در بیست و هفت سالگی تمام کرده بودند و با ارتباطی که با آیت‌الله شاه‌آبادی داشتند به عالی‌ترین علم کیمیا که متن وجود انسان را طلا می‌کند دست یافته بودند، حال اگر سالکی در این شرایط چنین تقاضایی کرده باشد باید مقصد و مقصود دیگری در میان باشد، ماورا و اهداف مادی. موفق باشید